

بررسی نمودهای مذهبی در شعر عهد قاجار

شیرزاد طایفی*

استادیار دانشگاه علامه طباطبایی

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱۲/۲۳- تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۴/۲۸)

چکیده

ایران جامعه‌ای با زیر ساخت مذهبی است که دین اسلام و مذهب تشیع از دیرباز در آن نفوذ فراوانی داشته که در این میان فرهنگ و ادبیات ایرانی و خاصه شعر نیز جلوه گاه مهمی برای بازتاب نمودهای دینی شده است. عصر قاجار یکی از دوره های شعری ادبیات فارسی است که مذهب، به ویژه تشیع در آن جلوه و بازتاب گسترده‌ای دارد. در این دوران شاعر می‌کوشد با تقویت بن مایه‌های دینی در اشعار، مخاطب خود را پرورش اخلاقی داده، نگاه و اندیشه‌ی دینی خود را به او منتقل کند. در این نوشته سعی بر آن خواهد بود تا با روش توصیفی و برداشت‌های تحلیلی، بررسی شود که دین در شعر این دوران چگونه بازتاب یافته و از چه اهمیتی برخوردار بوده و در تعامل ذهن شاعر و مخاطب چه نقشی پیدا کرده است.

کلید واژه‌ها ادبیات، شعر، دین، مذهب، عهد قاجار

طرح مسأله

عنصر دین و مذهب در زیرساخت فکری جامعه‌ی ایرانی همواره نقش عمده‌ای داشته است و می‌توان گفت تمام مسایل، نگرش‌ها، ایده‌ها و حتی تحولات مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و علمی در این جامعه، به نوعی از دین تأثیر می‌پذیرند؛ چرا که زیر ساخت این جامعه مذهب است و اگر پیش از اسلام دین‌های باستانی توانسته بودند نیازهای روحانی و خواسته‌های معنوی ایرانیان را برآورده کنند، بعد از اسلام، این دین محمدی بود که در ساختار جامعه‌ی ایرانی نفوذ کرد و مردم هم با

*. نویسنده‌ی مسؤول: Email:Sh_tayefi@yahoo.com

علاقه‌ی ویژه‌ای به استقبال این دین جدید رفتند؛ چون در درجه‌ی اول ضرورت دین برای آنها پذیرفته شده بود و آنگاه بهره‌های معنوی و لذت‌های روحانی ناشی از دین برای آنها قابل درک و فهم بود. در نهایت هم دین اسلام را به عنوان کامل‌ترین دین الهی، در رأس امور و جلوه‌گاه راستین اندیشه‌های والای انسانی و تفکرات برجسته‌ی روحانی، پذیرفتند و این امر با گذشت روزگاران چنان نفوذی در چارچوب فکری و اخلاقی مردم ایران کرد که دین جزء جدای‌ناپذیر جامعه شد و حکومت جدای از دین در گستره‌ی تاریخ ایران محکوم به نابودی شد؛ به گونه‌ای که هر حکومتی از دین رایج در میان مردم حمایت کرد یا دست کم تظاهر به حمایت کرد، به راحتی توانست بر این مردم حکمرانی کند و هر حکومتی به هنجارهای مرسوم دینی پشت پا زد، از صحنه‌ی جامعه و تاریخ کنار گذاشته شد. جالب اینکه همین نگرش باعث شده است، هرگونه بی‌توجهی به دین، از طرف هر فرد یا گروهی باشد، به شدت نکوهیده و از منظر اخلاقی مردود شناخته شود که پای این‌گونه نگرش به گستره‌ی آثار مختلف علمی، ادبی و هنری نیز کشیده شده است. نکته‌ی قابل توجه آنکه، این گونه داوری‌ها تنها محصول اندیشه‌ی مردم عادی یا طبقه‌ی روحانی و یا به طور کلی ناشی از زبان توده نیست، بلکه اندیشمندان، نویسندگان و شاعران نیز چه بسا اینگونه داوری‌هایی داشته‌اند که ما به دلیل گستردگی چنین ارزش‌گذاری‌هایی، نیازی به بیان نمونه نمی‌بینیم. حال با در نظر گرفتن این گونه مسایل، به بررسی عنصر دین و مذهب در دوره‌ی قاجار می‌پردازیم؛ آن هم از دیدگاه شاعران و نویسندگان، چرا که نگاه شاعر و نویسنده به امور مختلف جامعه در واقع نوعی رویکرد هنری است و بی‌تردید با نگاه دیگران از جمله مورخین، روشنفکران، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان و امثال اینها تفاوت دارد.

چهره‌ی مذهبی جامعه در عهد قاجار

می‌دانیم که شاعر دوره‌ی قاجار از جامعه‌ای تأثیر می‌پذیرد که در آن اسلام با تشیع عجین شده و به صورت پایه‌ی استواری برای تبیین اندیشه‌های جامعه‌ی ایرانی در آمده است، پس او به عنوان عضوی از جامعه‌ی ایرانی می‌کوشد، نه به طور مستقیم که با زبان غیرمستقیم و با رویکردی هنرمندانه و در عین حال تأثیرگذار، اوضاع دینی زمانه خود را نمایانده و از آن انتقاد کند. در دوره‌ی مورد بحث ما آیین محمدی و مذهب تشیع، دین پذیرفته شده ملی ایرانیان است و ارباب مذهب در بین تمام مردم نفوذ زیادی دارند و نمایش‌های مذهبی

در حد گسترده‌ای اجرا می‌شود؛ به گونه‌ای که «اسلحه داران، کلاه خود برآق و روپوش زره پر جلا برای آراستن لشکر یزید می‌سازند و نجاران برای ساختن ردیف جایگاه تماشاگران بی مزد کار می‌کنند» (واتسن، ۲۲).

موقعیت دینی و مذهبی در عهد قاجار به گونه خاصی است، یعنی کشور رنگ کاملاً مذهبی دارد و شاهان قاجار چهره‌ی مذهبی خود را روز به روز نمایان‌تر می‌کنند. نگاهی به فعالیت‌های پادشاهان قاجار نشان می‌دهد که آنها در مجموع گرایش‌های دینی داشته‌اند و با انجام فرایض دینی و ساخت و بازسازی مکان‌های مذهبی و احترام به مقامات روحانی، اظهار دینداری و خداشناسی می‌کرده‌اند. زندگی آقا محمدخان نشان می‌دهد که عنصری از دیانت شدید و کاملاً سنتی و متمایل به کهنه‌پرستی در او وجود داشته است. فتحعلی شاه به نفوذ روحانیت علاقه‌مند بود و همین امر باعث شده بود در دوره‌ی او سیاست مذهبی یکسانی به کار گرفته شود. او در انجام اعمال دینی غفلت نمی‌کرد تا شاید تأیید علمای مذهبی را به‌دست بیاورد و در این راه کوشید که در میان علما جایی برای خود پیدا کند (خاتمی، ۱/۵۵-۵۶). ناصرالدین شاه به بهبود رابطه‌ی دولت و علمای مذهبی کمک کرد و در دوره‌ی حکومت او در تمام شهرها، ارتباط بین دولت و علمای دینی از رونق خاصی برخوردار بود که به تبع آن حوزه‌ی نفوذ علما و گستره وظایف آنها به میزان زیادی افزایش یافت. نحوه‌ی رفتار امیرکبیر با علمای دینی تأییدکننده این مطلب است که او در برخورد با اینها و نقش آنها در کارهای حکومت، از سیاست تحکیم پایه‌های حکومت و اقتدار دولت پیروی می‌کرد، یعنی در پی تأیید و تمدید قدرت آنان نبوده است بلکه سعی داشت با استفاده از وجود آنها، به تثبیت قدرت دولت کمک کند که در این راه پیروز هم بود.

سلسله‌های مختلف صوفیه

در دوره‌ی قاجار سلسله‌های مختلف صوفیه فعال بودند که ذهبیه و نعمت‌اللهی در زمره‌ی معروف‌ترین سلسله‌ها بودند و سلسله‌های قادریه، نقشبندیه، جلالیه، مداریه و خاکساریه هم کم و بیش فعالیت‌هایی داشتند. به طور خلاصه باید گفت در این دوره همانند دوره‌های گذشته، صوفیگری فعال بوده است، اما همانند شعر به نوعی بازگشت به گذشته و تجدید عهد تصوف اسلامی پیشین بوده که بی‌تردید در این بازگشت، همچون بازگشت شعر به گذشته اشکالاتی داشته و با دشواری‌های زیادی همراه بوده است.

از جمله دشواری‌های موجود بر سر راه صوفیه، حضور فقهای صاحب قدرت بود که با مشرب‌های تصوف مخالفت می‌کردند و نه تنها گفته‌ها، یافته‌ها و اندوخته‌های آنها را

مردود می‌دانستند که در موارد بسیاری هم، تکفیرشان می‌کردند (همو، ۱۱۹). با تمام این اوصاف، گروهی از علما و فقها نیز از صوفیه حمایت می‌کردند و این کار تا آنجا پیش می‌رفت که گروهی از آنها آشکار و پنهان به حلقه‌ی ارادت بزرگان صوفیه می‌پیوستند. نکته‌ی دیگر اینکه تصوّف این دوره که در واقع دنباله‌ی تصوّف و عرفان دوره‌ی صفویه بوده، در شکل رسمی خود مورد توجه چندانی واقع نشده است؛ به گونه‌ای که بیشتر عرفا و بزرگان این دوره، به سبب پیش افتادن از بزرگان صوفیه، هم از لحاظ عرفان نظری و هم از نظر زهد و عرفان عملی، در بین مردم جای صوفیه را گرفتند و به مثابه‌ی مشایخ پذیرفته شدند و بدین ترتیب پایه‌های سلسله‌های صوفیگری لرزید؛ تا اینکه در اواخر دوره‌ی قاجار، شدت یافتن مخالفت‌های فقها با جریان تصوّف از طرفی و اختلافات روزافزون داخلی بین خود فرقه‌های صوفیه از سوی دیگر به ضعف و انحطاط کلی این سلسله‌ها منجر شد و جریان تصوّف به حال و روزی غم‌انگیز افتاد که نمونه‌ی بارز این وضع را در دوره‌ی مشروطیت به روشنی شاهدیم.

کوتاه سخن اینکه، با تمام چالش‌ها و ضعف‌هایی که در این دوره گریبانگیر تصوّف شده، این جریان دست آورده‌های فرهنگی و فکری و عقیدتی قابل قبولی به بار آورده و در گستره‌ی ادبیات فارسی تأثیراتی داشته که می‌توان ظهور آن را در آثار شاعران و نویسندگان این دوره به روشنی مشاهده کرد.

پیدایش مذاهب جدید

در این دوره پیدایش شیخیه و بعد بابیه و در نهایت بهائیه را نیز باید مدنظر قرار داد؛ چرا که ظهور اینها از رخدادهای مهم دیگری است که در گستره‌ی ادبیات فارسی بی‌تأثیر نبوده‌اند و چه بسا در میان شاعران و نویسندگان افرادی - هرچند اندک - بوده‌اند که افکار و اندیشه‌های این نحله‌های فکری را تبلیغ می‌کرده‌اند.

فقه شیعی هم در این دوره رو به توسعه بود و پیدایش اخباریون در برابر اصولیون، تاریخ فقه را در این دوره، از سایر ادوار فقه امتیاز بخشیده است؛ چرا که خدمات و تأثیرات مهمی که علما و بزرگان فقه در این دوره، در جهت تکامل اندیشه‌ی اسلامی داشته‌اند، انکار کردنی نیست (همو، ۱۴۴).

با این پیش درآمد، حال به حوزه‌ی ادبیات فارسی بر می‌گردیم تا نشان دهیم رویکرد هنری و ادبی به مذهب در این دوره با دیدگاه سایر اقشار جامعه از چه تمایزاتی برخوردار است و چگونه در آثار نمود یافته است.

توصیف پیامبر (ص) در اشعار این دوران

حضرت محمد (ص) توصیف و به مثابه‌ی رهبر دین اسلام معرفی می‌شود، اما این توصیفها به صورتی کاملاً کلی بیان شده، در واقع دور نمایی از صفتهای حضرت رسول (ص) عرضه می‌شود و گویا شاعر قصد دارد زود از توصیف حضرت پیامبر به بیان عقاید شیعه دوستی و شیعه‌گرایی گریز بزند و چه بسا وصف پیامبر در راستای اثبات حقانیت شیعه صورت گرفته است. به بیت زیر بنگرید:

گفت پیغمبر که هر کس تشنه‌ای را آب داد هست اجرش چون ولایت بر علی مرتضی
(دیوان ادیب الممالک، ۱۰۷/۶)

بیشتر توصیفها به گونه‌ای تأیید و تأکید این مطلب است و برای پرهیز از تکرار و ارائه استنادات، به نمونه‌هایی از این موارد اشاره می‌کنیم:

حیدر احمد آیتی احمد خضر مدّتی خضر کلیم سطوتی موسی روح پروری
(دیوان نشاط اصفهانی، ۲۷/۱۰)

در مدح حضرت ختمی مرتبت (دیوان درّ خوشاب معروف به شهاب، ۶۱-۶۲)، در منقبت حضرت محمد(ص) (دیوان وصال شیرازی، ۳/۱ و ۳۳۲-۳۳۳)، در نعت پیامبر(ص) (مجموعه آثار یغمای جندقی، ۱۳۵۷: ۲۳۶-۲۳۷)، در مدح تهنیت تولّد پیغمبر(ص) (دیوان سروش اصفهانی، ۴۹-۵۰، ۷۹-۸۰، ۸۴-۸۵، ۱۵۱، ۲۶۹-۲۷۰، ۱۲۹-۱۳۰، و ۵۴۷-۵۵۰)، در مدح حضرت محمد(ص) (دیوان قآنی شیرازی، ۱۳۳۶: ۵۵-۵۸ و...)، در مدح پیامبر(ص) (دیوان صفای اصفهانی، ۴۸-۵۲، ۵۵-۶۲ و ۱۳۲-۱۳۷)، درباره‌ی روز مبعث (دیوان اشرف الدین حسینی، ۶۱-۶۳)، در مدح حضرت پیامبر(ص) (دیوان ملک الشعراء بهار، ۴۶/۱ و ۱۷۶-۱۷۷)، در مدح محمد(ص) (دیوان ادیب پیشاوری، ۴-۸)، در مدح محمد(ص) (دیوان لاهوتی، ۸۲)، در مدح محمد(ص) (شهر شعر ایرج، ۱۳۷۶: ۵۶-۵۸)، در مدح و ولادت حضرت محمد(ص) (دیوان حبیب خراسانی، ۲۱۷-۲۱۸، ۲۵۶-۲۶۳ و ۲۸۳-۲۹۱)، در ستایش پیامبر(ص) (دیوان تقی دانش، ۶ و ۲۹-۳۳ و ۱۲۵-۱۲۸)، قصایدی در مدح محمد(ص) (دیوان داوری شیرازی، ۱۴۷-۱۴۸ و ۳۹۵-۳۹۶) و در مدح و تهنیت ولادت حضرت محمد(ص) (دیوان وثوق الدوله، ۱۷۱-۱۸۱ و ۲۱۰-۲۱۲).

جایگاه شیعه و علی(ع) در شعر عهد قاجار

در شعر این دوره یکی از موضوعات فراگیر به یقین علی(ع) و یاد رشادت‌ها، شهامت‌ها و ایثارگری‌های اوست که چه بسا از ته دل و با باوری قلبی سروده شده‌اند و اگر اندکی دقیق شویم، می‌توانیم بر پایه‌ی شعرهای این دوره علی‌نامه‌هایی ترتیب دهیم که در

شناساندن او و ارائه‌ی تصویری از علی‌شناسی در عصر قاجار قابل اغماض نیستند. علی، مقدّس است. علی قبله‌ی روحانیان و پناهگاه دل شدگان است:

روحانیان به دور سرای تو روز و شب همچون کبوتران حرم در کبوتری

(دیوان فتحعلی شاه، ۱۳۰/۷)

گاهی با دقت در لابه‌لای اشعار مذهبی این دوره و ابیاتی که در وصف علی سروده شده‌اند، می‌توان به اصل مذهبی تشیع که امامت علی را بعد از رسول(ص) حق طبیعی او می‌دانند، به راحتی دسترسی پیدا کرد؛ اگرچه این امر در قالب تمثیل بیان شده باشد. البته ساختار شیعی حکومت دوره قاجار نیز خود عامل عمده‌ای در بیان این مسایل است: گفت پیغمبر که هرکس تشنه‌ای را آب داد هست اجرش چون ولایت بر علی مرتضی (دیوان ادیب الممالک، ۱۰۷/۶)

باغ خلافت از خسان چون گلستان بود از خزان

اکنون چو از گل گلستان رونق رسید از حیدرش

(دیوان نشاط اصفهانی، ۱۳/۳)

این زمان عطار نطق مرتضاست در شریعت جانشین مصطفاست

این زمان عطار نقد بوذر است کمترین خادمان حیدر است

(درج درر شیبانی، ۱۸-۱۹)

توصیف علی(ع) محدود به شعر نیست، نویسندگان نیز یاد علی(ع) را همیشه چاشنی کلامشان می‌کنند و در سالروز میلادش اظهار مسرت می‌نمایند و در سالگرد شهادتش با زبان هنری و ادبی اشک می‌ریزند؛ یعنی علی(ع) وارد زندگی‌شان شده است: «نزدیک به عید مولود حضرت علی است، باید به انزلی برویم» (سفرنامه فرنگستان ناصرالدین شاه، ۲۸۳).

اگرچه علی(ع) در اشعار شاعران قبل از عصر قاجار نیز به مردانگی و شجاعت ستوده می‌شود، اما در این دوره به واسطه‌ی توجه بیش از اندازه‌ی مردم به مذهب و اعتبار تشیع که چه بسا نتیجه حکومت نزدیک به دو قرن صفویه است، در شعر و نثر تجلی ویژه‌ای یافته و رویکرد هنری و ادبی به این مسأله در این دوره می‌تواند در گستره‌ی علی‌شناسی مدخل تازه‌ای باز کند.

با نگاهی به دیوان‌های شعری این دوره، به راحتی می‌توان از جایگاه شیعه و علی(ع) و نگرش مثبت به آن آگاه شد؛ شاه و گدا، روشنفکر و عامی، معتقد سنتی و متجدد، زن

و مرد، شاعرها و شاعرکها و... همه و همه علی را می‌ستایند که بی‌شک در ضمن این توصیف، آرمان والای مذهب تشیع نیز به تصویر هنری کشیده می‌شود. نگاهی گذرا به تعداد و عناوین شعرهای مربوط به توصیف علی (ع) می‌تواند از لحاظ آماری مورد توجه باشد و میزان علاقه‌ی مردم به مذهب تشیع را بنمایاند. ما تنها به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم تا اهمیت این موضوع روشن گردد: در ستایش علی (ع) (دیوان فتحعلی خان صبا، ۱۲۹-۱۳۳)، در مدح مولا علی (حدیقه الشعرای شهاب اصفهانی، ۸۹۴-۸۹۵)، در مدح حضرت علی (ع) (دیوان در خوشاب معروف به شهاب، ۶۳-۶۵)، در مدح علی (ع) (دیوان وصال شیرازی، ۲۴۵/۱-۲۴۷ و ۲۷۸)، در مدح امیر (ع) (مجموعه آثار یغمای جندقی، ۲۳۶-۲۳۷)، در مدح و تهنیت میلاد علی (ع) (دیوان سروش اصفهانی، ۱-۲، ۹-۵، ۱۷-۱۹، و ...)، در مدح علی و تهنیت میلاد او (دیوان قآنی شیرازی، ۶۸-۷۰، ۷۱-۷۲، ۱۵۶-۱۵۷ و ...)، در مدح حضرت علی (ع) (دیوان محمود خان ملک الشعراء صبا، ۷۸-۷۹)، در نعت علی (ع) با مطلع: آن صادر اول که شنودند علی بود و آنها که بر او بر بفرزند علی بود (درج درر شیبانی، ۱۱-۱۴)، در مدح حضرت علی (ع) (دیوان ادیب نیشابوری، ۲۱۷-۲۲۱)، در مدح علی (ع)، در مدح علی (ع) و به مناسبت عید غدیر (دیوان اشرف الدین حسینی، ۱۵۷-۱۵۹ و ۵۲۸-۵۳۰)، در مدح علی (ع) و وصف غدیر خم (دیوان ملک الشعراء بهار، ۴۹/۱-۵۲، ۹۲-۹۳، ۱۸۲-۱۸۳، ۱۰۶-۱۰۷، ۱۱۵، ۱۵۳-۱۵۴، ۱۶۴، ۱۶۷ و ۱۸۰-۱۸۱)، در مدح علی (ع) (دیوان لاهوتی، ۸۰-۸۱ و ۴۳۷-۴۴۱)، قصیده‌ای فارسی و عربی در مدح حضرت علی (ع) (دیوان ادیب پیشاوری، ۶۰-۶۴ و ۱۸۸-۱۸۹)، در مدح حضرت علی (ع) (شهر شعر ایرج، ۳۰-۳۱، ۳۹-۴۰ و ۱۲۵)، در ذکر تولد علی (ع) (دیوان صفی علیشاه، ۲۰۱-۲۰۲)، در مدح علی (ع) و تهنیت عید غدیر خم (دیوان حبیب خراسانی، ۲۱۸-۲۲۴، ۲۴۸، ۲۶۴-۲۷۲، ۲۷۱-۲۸۲ و ۲۸۳-۲۹۱)، و بسیاری آثار دیگر.

علی ولی قاسم نار و جنت که هم خصم سوز است و هم دوست پرور

(دیوان فروغی بسطامی، ۱۶-۱۷/۳۲۴)

بعد از حضرت علی (ع)، بیشتر شخصیت‌های بزرگ مذهبی و دینی، با بسامد کمتری نسبت به حضرت علی (ع)، توصیف شده‌اند که در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت، گرایش به تشیع وجه غالب این توصیف‌ها است؛ چرا که بیشتر ستایش‌ها در واقع تبیین اصول و اندیشه‌های تشیع است. به‌خصوص این امر در یاد کرد رخداد عاشورا به اوج

خودش می‌رسد و می‌توان گفت یاد امام حسین (ع) - این حماسه‌ساز تاریخ تشیع - رکن ثابت در اشعار مذهبی این دوره است. شاید این پرسش مطرح شود که این همه رویکرد هنری و ادبی به مذهب از چه امری ناشی می‌شود؟ ما پس از بیان دیدگاه‌های شاعران نسبت به مسایل مذهبی در این دوره، خواهیم کوشید به این پرسش پاسخ دهیم.

مهدی موعود (عج)، تصویر درخشان شعر عهد قاجار

حضرت مهدی (عج)، امام موعود شیعیان تصویر درخشانی در شعر این دوره دارد. او دفع کننده فساد و ظلم زمانه است:

بهر دفع فساد و ظلم به دهر
نایب صاحب الزمان باشد

(دیوان فتحعلی شاه، ۱۴۷/۲۲)

کجاست مهدی صاحب زمان که میلادش
ربیع اول کرده است ماه شعبان را

(دیوان ادیب الممالک، ۹۹/۱۷/۱)

قصیده‌های زیر تنها نمونه‌ای از اظهار ارادت‌های شعرای این دوره نسبت به حضرت مهدی (عج) است که برای آگاهی علاقه‌مندان ناگزیریم دست کم اشاره‌ای به آنها بکنیم: قصیده‌ای در مدح حضرت صاحب زمان (عج) (دیوان درخوشاب معروف به شهاب، ۷۳-۷۱)، قصایدی در مدح و تهنیت میلاد حضرت ولی عصر (عج) (دیوان سروش اصفهانی، ۷۱-۶۹، ۲۶۴-۲۶۵، ۲۹۰-۲۹۱، ۵۰۳-۵۰۴ و ...)، قصیده‌ای در مدح حضرت ولی عصر (عج) (دیوان قآنی شیرازی، ۷۸۶-۷۹۵)، قصیده و مسمط بهاریه‌ای در مدح حضرت ولی عصر (عج) (دیوان صفای اصفهانی، ۵۲-۵۵ و ۱۳۸-۱۴۹)، در وصف نیمه شعبان (دیوان اشرف الدین حسینی، ۷۷-۷۸)، قصایدی در مدح امام زمان (دیوان ملک الشعرا بهار، ۱۳۸۰/۱: ۸۷-۸۹، ۱۵۴-۱۵۵ و ۲۱۲-۲۱۴)، قصایدی در مدح و جشن میلاد حضرت ولی عصر (عج) (دیوان ادیب پیشاوری، ۵۲-۵۹)، در ولادت امام زمان (عج) (دیوان حبیب خراسانی، ۲۹۲-۳۰۲)، قصایدی در ستایش حضرت ولی عصر (عج) (دیوان تقی دانش، ۸۳-۸۴، ۸۶-۸۷، ۱۳۳-۱۳۴ و ۱۳۸-۱۴۳) مثنوی خطاب به صاحب زمان در قلع و قمع یهودیان فاسد (دیوان فتحعلی خان صبا، ۷۶۲-۷۶۴) و توصیف و یادکرد نیمه شعبان به زبان نثر (دیوان نشاط اصفهانی، ۳۳۱-۳۳۲).

آنچه درباره‌ی تمام این توصیفات می‌توان گفت اینک، بسامد آن نسبت به دوره‌های قبل بیشتر شده و شاعران با تمام وجود باور دارند که این مهدی است که با ظهور خودش

بدی‌ها را از بین خواهد برد؛ یعنی اعتقاد به غیبت در نظر آنان اصل غیرقابل انکاری است و برای اثبات این عقیده تلاش‌های قابل توجهی آن هم با زبان ادبی کرده‌اند.

امام رضا(ع) پناهگاه مذهبی شاعران

امام رضا(ع) و بارگاه آن حضرت قبله گاهی است که شاعران و نویسندگان با توسل به آن عقاید مذهبی خود را بی پرده و خالصانه بیان می‌کنند؛ گویی موقعیت مکانی بارگاه امام رضا(ع) که در ایران واقع شده است، برای شاعران این مرز و بوم نوعی پناهگاه مذهبی است و احساس نزدیکی عجیبی به این مکان می‌کنند؛ به همین دلیل گفته‌های آنها از دل برخاسته است:

سرفرازی دو عالم آستان بوسی اوست بنده‌سان بر درگه شاه خراسان می‌روم
(دیوان فتحعلی شاه، ۱۳۶/۴)

عجیب آنکه شاعران با زبان ادبی خود هیچ‌گاه حمله به قاتل امام رضا را فراموش نکرده و حتی با بیانی هجوآمیز، قاتل آن حضرت را نکوهیده‌اند:

زنا زاده‌ای را چه زهره است یارب که بدهد تو را زهر و گوید ز زهرا
(دیوان فتحعلی خان صبا، ۱۸۶/۱۰)

در مرثیه‌ی حضرت رضا(ع) (دیوان وصال شیرازی، ۶۱۳/۱-۶۱۶)، قصیده‌ای در مدح امام رضا(ع) (دیوان سروش اصفهانی، ۳۶۱-۳۶۲)، قصایدی در مدح حضرت رضا(ع) (دیوان قآنی شیرازی، ۳-۷ و ۴۷۶-۴۷۹)، قصایدی در مدح حضرت رضا(ع) (دیوان صفای اصفهانی، ۲۷-۳۰، ۷۱-۷۴ و ۹۳-۱۰۰)، قصایدی در مدح و میلاد حضرت رضا(ع) (دیوان ملک الشعراى بهار، ۴۹/۱-۵۲، ۵۵-۵۹، ۸۳-۸۶، ۹۶-۹۷ و ۱۶۳-۱۶۴)، قصیده‌ای در مدح حضرت رضا(ع) (دیوان تقی دانش، ۱۷۷-۱۷۹)، قصیده و مسمطی در ستایش حضرت رضا(ع) (دیوان داوری شیرازی، ۳۰۴-۳۰۶، ۶۵۷-۶۶۰). شاعر در هنگام آستان بوسی حضرت رضا(ع) رباعی زیبایی بدین گونه می‌سراید:

در طوس جلال کبریا می‌بینم بی‌پرده تجلی خدا می‌بینم
در کفش کن حریم پور موسی موسی کلیم با عصا می‌بینم

(دیوان ناصرالدین شاه، ۱-۱۱۳/۲)

باید گفت هدف از تصویر شخصیت‌ها، مراسم، فرایض و مناسک مذهبی، که در شعر این دوره به آنها اشاره شده است، بی‌گمان ترسیم چهره‌ی مذهب این دوره و چه بسا ابراز اندیشه و عقیده مذهبی شاعران و نویسندگان در قالب ادبیات بوده است: قصایدی در نعت حضرت

معصومه (ع) و تذهیب و وصف بارگاه آن حضرت (دیوان فتحعلی خان صبا، ۴۱، ۴۶۱-۴۶۳، ۶۱۹ و ۶۸۲-۶۸۳، دیوان قآنی شیرازی، ۲۱۷-۲۱۹) و ذکر نصب در زرین به ضریح سیمین حضرت معصومه (ع) (مفتون دنبلی، ۴۶-۴۷).

قصاید و مسمّطی در مدح و تعزیه‌ی حضرت فاطمه (س) (دیوان نشاط اصفهانی، ۶۵-۶۷، دیوان وصال شیرازی، ۵۴۸، ۵۵۱؛ دیوان صفای اصفهانی، ۱۲۶-۱۳۱؛ دیوان ملک الشعرای بهار، ۱۹۶/۱-۱۹۷). قصیده‌هایی در مدح حضرت امام حسن (ع) (دیوان نشاط اصفهانی، ۶۸)، (دیوان تقی دانش، ۳۷-۴۰). قصیده‌هایی در مدح امام موسی کاظم (ع) و صفت بقعه‌ی آن حضرت (دیوان سروش اصفهانی، ۲۱۹-۲۲۲ و ۲۲۴-۲۲۵)، قصیده‌ای در مدح امام محمد باقر (ع) (همان، ۴۶۹-۴۷۰)، قصیده‌ای در مدح حضرت سجّاد (ع) (همان، ۵۶۳-۵۶۴)، قصیده‌ای در ستایش امام حسن عسکری (ع) (دیوان تقی دانش، ۱۹۱-۱۹۲)، قصایدی در مدح چهارده معصوم (دیوان وصال شیرازی، ۱: ۴۱۳-۴۱۴)، قصیده و مثنوی‌هایی در توحید و اصول و صفات حق (دیوان وثوق‌الدوله، ۲۰۵-۲۱۰؛ دیوان وصال شیرازی، ۱/ ۸-۶).

ضرورت نماز و واجب عینی بودن آن بارها و بارها از سوی شاعران به تصویر کشیده شده و با تأکید خاصی، به یادکرد آن پرداخته‌اند:

سجده ابروی توای صنم دلنواز واجب عینی شده است بر همه کس چون نماز

(دیوان فتحعلی شاه، ۸/ ۲۵۵)

مثنوی‌هایی در حکم عمد و سهو و زیاد کردن نماز (دیوان فتحعلی خان صبا، ۱۴۹۴-۱۴۹۵)، در نماز و شکایات آن (همان، ۷۵۲-۷۵۶).

ماه رمضان و عید فطر نیز گاهی مستقیم و گاهی به صورت غیرمستقیم و در قالب تمثیل در اشعار این دوره بازتاب یافته و به جز مواردی در همه حال با دیدی ستایش آمیز نگریسته شده است:

بنمای چو ماه نو خم ابرو بگشای دهان روزه داران را

(دیوان فروغی بسطامی، ۱/ ۷۴)

می حرام است خاصّه در رمضان جز بر آن لعل لب که میگون است

(همان، ۱۷/ ۱۰۰)

در شکایت از روزه و بشارت شاه به هلال شب عید رمضان (دیوان مجمر اصفهانی، ۹۶-۹۸)، قصایدی درباره رمضان و تأسّف از روزه جانان و ضعف وی، عید فطر و تهنیت آن

(دیوان وصال شیرازی، ۲۹۴/۱-۲۹۵، ۳۰۹-۳۱۱)، (دیوان ملک‌الشعراى بهار، ۹۵/۱)،
(دیوان داوری شیرازی، ۲۸۹-۲۹۰) و ...

وقف عام: ندارم غیر جان‌جانا چه خواهی دلی دارم که وقف عام کردم
(دیوان فتحعلی شاه، ۲۷۳/۱۰)

قصیده‌ای در ساختن ضریح حضرت احمد موسی (دیوان فتحعلی خان صبا،
۴۷۸-۴۷۹)، قطعه‌ای در وصف قرآنی که به نام محمدعلی میرزا دولت‌شاه رقم کرده‌اند
(همان، ۶۲۸-۶۲۹)، در تاریخ تعمیر بقعه امامزاده قاسم و اتمام مسجد به دستور شاه
(دیوان مجمر اصفهانی، ۱۱۴-۱۱۶ و ۲۱۷-۲۱۸)، مثنوی اردیبهشت که در واقع یک
تاریخ دینی است (دیوان سروش اصفهانی، ۸۳۵-۱۲۶۸)، قصیده و نوشته‌ی نثری در
تهنیت عید قربان (دیوان ملک‌الشعراى بهار، ۱۸۱/۱-۱۸۲) و شب قدر و توصیف آن به
زبان نثر (دیوان نشاط اصفهانی، ۳۳۷-۳۳۸).

کربلا و بازتاب پرشور آن در شعر دوران قاجار

اینک به یکی از مهم‌ترین، تأثیرگذارترین و در عین حال پرسوز و گدازترین جلوه‌های
مذهب تشیع، یعنی کربلا و رشادت‌های امام حسین(ع) می‌پردازیم که نه تنها در میان
تمامی طبقات و گروه‌های مختلف اجتماعی در این دوره به عنوان رخدادی جانگداز از
آن یاد می‌شود، در شعر و نثر شاعران و نویسندگان نیز بازتاب گسترده‌ای داشته است؛
به گونه‌ای که کمتر دیوان شعری می‌توان یافت که در آن اشاره‌ای به این رویداد نشده
باشد. گویی اینکه مثلث شیعه و حسین(ع) و کربلا به یک موضوع روز تبدیل شده است
و در هر گوشه‌ی مرز و بوم می‌توان نشانه‌ای از آن مشاهده کرد. موضوع شهادت
حسین(ع) و یاران او، مضامین عمده‌ای را در ادبیات این دوره آفریده است. قالب‌هایی
چون مرثیه و نوحه در این دوره به عنوان محمل این حادثه، کاملاً قابل توجه هستند. در
دیوان‌های بیشتر شاعران این دوره بی‌تردید به مرثیه‌هایی بر خواهیم خورد که با سوز و
گداز بیان شده‌اند و می‌توان گفت چه بسا بسیاری از شاعران به عنوان مرثیه‌سرا شناخته
شده و با افتخار تمام به توصیف و ترسیم چهره‌ی امام حسین(ع) و یاران وفادار او و
حماسه‌ی کربلا پرداخته‌اند. این قاعده فقط در بردارنده‌ی دردمندان راه امام حسین(ع)
نیست، همانطوری که بیان شد، تمام طبقات و گروه‌های اجتماعی از شاه گرفته تا هر فرد
عادی و عامی را در بر می‌گیرد.

ناصرالدین شاه آش نذری داشت که هر سال آن را می‌پختند و میان مردم تقسیم

می‌کردند. تکیه در عزاداری که شامل تکیه‌های دولت، اعیان و رجال و محلات بود، نمایانگر پر رنگ بودن مذهب در این دوره است. ماه رمضان و عید فطر نیز حرمت داشتند و به محض محقق شدن شب عید، توپهای افطار به صدا در می‌آمدند (مستوفی، ۲۹۳/۱، ۲۸۷-۳۰۳، ۳۲۷-۳۲۴).

پشتیبانی آقا محمدخان از نهادهای اسلامی، بیانگر این است که او به وظایف خود به عنوان یک پادشاه شیعه به خوبی آشنا بوده است. او در تهران دستور به ساختن مسجد شاه داد و در مشهد هم به تعمیر و مرمت مرقد حضرت امام رضا(ع) همت گماشت (عضد قاجار، ۸۰).

در دوره‌ی قاجار افزون بر گسترش و رواج تعزیه و تعزیه‌خوانی در میان عامه‌ی مردم و اصناف مختلف، چند دگرگونی عمده نیز در آن روی داد؛ به گونه‌ای که از لحاظ کمیت از ۱۰ تا ۱۲ مجلس تعزیه‌خوانی در دوره قاجار به ۴۰ تا ۵۰ مجلس رسید و از نظر کیفی نیز در سه زمینه‌ی ادبی، موسیقایی و نمایشی تحولات ژرفی پذیرفت. از نظر اجتماعی نیز چنان تحولی پیدا کرد که گرایش و علاقه اعیان و اشراف و درباریان را موجب شد. می‌توان دلیل اهتمام شاه و درباریان و اطرافیان به تعزیه و تعزیه‌خوانی را چنین برشمرد: گسترش تعزیه در میان مردم، تظاهر مذهبی و سیاست قاجاریان (شهیدی، ۱۰۵-۱۰۹).

با این توصیف آشکار است که یاد کرد قیام عاشورا، باید به موضوعی فراگیر در ادبیات تبدیل شود که چنین نیز شد:

ما بر مثل آل محمد شده مقهور تو همچو یزیدستی و این شهر چو شام است
(دیوان ادیب الممالک، ۱۷۸/۱۷)

اگر به آمارهای زیر نگاهی بیفکنیم، بی‌گمان از توجه شاعران به رخداد کربلا و شهادت امام حسین(ع) و یارانش دچار شگفتی خواهیم شد؛ چرا که آنها همین که فرصت به دست آورده‌اند، به این موضوع مهم پرداخته‌اند و به گمان نویسنده مذهب تشیع در این حادثه خلاصه شده است؛ به عبارتی قیام کربلا لوح فشرده‌ای از اصول و عقاید تشیع است که شاعران این دوره به راحتی و با رویکرد ادبی این مسأله را نمایانده‌اند: ترکیب بند مفصلی شامل چهارده بند در رثاء اهل بیت (دیوان ادیب الممالک، ۴۹۳-۵۰۰)، قصیده‌ای در نعت حضرت سیدالشهداء (دیوان فتحعلی خان صبا، ۳۷-۳۹)، قصیده و قطعه‌ای در بنای دیوان حضرت سید الشهداء و ساخت ضریح مطهر آن حضرت (همان، ۴۵۹-۴۶۰، ۶۱۴)، قصیده‌ای در یاد مصیبت و شهادت حر بن یزید ریاحی و

اشعاری در اظهار حزن و اندوه به مناسبت شروع ماه محرم و ورود حضرت حسین(ع) به کربلا و در وقایع شب عاشورا و بعد از آن (دیوان درخوشاب معروف به شهاب، ۷۶-۷۹، ۸۱-۸۹)، مرثیه‌هایی در مصیبت حضرت قاسم و حضرت عباس و علی اصغر و یادکرد لحظه بیرون آمدن امام از خیمه‌ها و زمان وداع حضرت با سکینه (همان، ۹۰-۹۵)، قصیده‌ای در مدح حسین(ع) و مصائب آن حضرت (دیوان وصال شیرازی، ۳۲۴/۱-۳۲۸)، در رثاء حسنین(ع) و حادثه عاشورا (همان، ۵۵۱-۶۰۸)، مثنوی در مرثیه حسین(ع) (همو، ۶۲۳-۶۲۸)، تفسیر فقره‌ای از دعای جوشن صغیر و گریز به تعزیه آل عبا (همو، ۶۳۱-۶۳۳)، شرح داستان نینوا (حادثه کربلا) (همو، ۹۵۱/۲-۹۶۹)، مرثی و نوحه‌هایی در عزای شهدای کربلا (مجموعه آثار یغمای جندقی، ۲۷۶-۳۶۴) که به‌راستی در گستره‌ی ادبیات مرثیه و تعزیه کم نظیرند، ترکیب بندی در یاد مصیبت‌های شهیدان کربلا (دیوان سروش اصفهانی، ۱۳۳۹/۲: ۷۳۳-۷۷۲)، مثنوی روضه‌الاسرار در شرح واقعه‌ی کربلا (همو، ۷۷۷-۸۳۱)، قطعه‌ای در مصیبت حسین(ع) (دیوان قآنی شیرازی، ۹۴۸-۹۴۹)، چهارده بند در رثاء شهید کربلا (دیوان محمودخان ملک الشعراء صبا، ۱۲۲-۱۲۶)، سوگنامه‌ای برای حضرت حسین با عنوان «ای کوفیان» (دیوان علی اکبر دهخدا، ۲۰۱)، قصیده‌ای در منقبت حضرت سیدالشهداء (دیوان ملک الشعراء بهار، ۴۷/۱-۴۸)، قصیده‌ای در وصف تربت سید الشهداء (همان، ۱۱۶-۱۱۷)، ترجیع‌بندی در رثای حسین بن علی (ع) و یاران او (همان، ۱۸۹-۱۹۰)، قصیده و ترکیب‌بندی در مدح سید الشهداء (دیوان لاهوتی، ۹۲-۹۳، ۴۱۷-۴۱۹)، در یاد کرد حسین شهید(ع) با عنوان «اوج عشق» (دیوان نظام وفا، ۱۸۵-۱۸۶)، در رثای شهدای کربلا (شهر شعر ایرج، ۱۲۶)، قطعه‌ای در مدح و رثاء حسین(ع) (دیوان تقی دانش، ۷۹۱)، جهت سنگ فرش بقعه‌ی متبرکه حضرت سید الشهداء(ع) (دیوان داوری شیرازی، ۷۶۹-۷۷۰)، مرثیه‌ای در شهادت حسین(ع) (دیوان ناصرالدین شاه، ۷۹-۸۱)، مرثیه‌ای در مصیبت حسین(ع) و در مصیبت حضرت قاسم (همان، ۸۵-۹۱).

حال باید به آن پرسش مطرح شده که چرا در این دوره این همه به مذهب توجه شده است و خاستگاه این رویکردهای ادبی و هنری چه می‌تواند باشد؟ پاسخ داد. واقعیت این است که در این دوره تنها مذهب بود که می‌توانست در پرورش اخلاقی مردم تأثیرگذار باشد؛ به عبارتی «جز مکتب مذهب هیچ‌گونه مکتب دیگری برای پرورش اخلاقی مردم وجود نداشت و قسمتی از این معتقدات به صورت شعائر مذهبی در جامعه رواج داشت، مانند روضه‌خوانی، شبیه‌خوانی، تعزیه گردانی و تظاهرات دسته جمعی در

روزهای ماه محرم و بعضی از روزهای عزای عمومی از قبیل ۱۹ تا ۲۳ ماه رمضان، ۲۸ صفر و امثال آنها» (شمیم، ۳۸۱).

نتیجه‌گیری

دین به عنوان یکی از اصلی‌ترین زیرساخت‌های فکری جامعه‌ی ایرانی، همواره نقشی تعیین‌کننده در حوزه‌های مختلف زندگی جامعه‌ی ایرانی داشته و می‌توان گفت تمام مسایل، نگرش‌ها، ایده‌ها و حتی تحولات مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و علمی در این جامعه، به نوعی از دین تأثیر پذیرفته‌اند، چرا که زیر ساخت این جامعه مذهب است و این امر با گذشت روزگاران چنان نفوذی در چارچوب فکری و اخلاقی مردم ایران پیدا کرده که دین جزء جدایی‌ناپذیر جامعه شده و هر حکومت جدای از دین در گستره‌ی تاریخ ایران به زودی محکوم به نابودی شده است. در دوره ی قاجار، آیین محمدی و مذهب تشیع، دین پذیرفته شده ملی ایرانیان است و بزرگان مذهب در بین تمام مردم نفوذ زیادی دارند و نمایش‌های مذهبی در حد گسترده‌ای اجرا می‌شود. به واقع باید گفت وضعیت دینی و مذهبی در عهد قاجار به گونه‌ی خاصی است، یعنی کشور رنگ کاملاً مذهبی دارد و شاهان قاجار چهره‌ی مذهبی خود را روز به روز نمایان تر می‌کنند و نگاهی به فعالیت‌های پادشاهان قاجار نشان می‌دهد که آنان در مجموع گرایش‌های دینی داشته‌اند و با انجام فرایض دینی و ساخت و تعمیر مکان‌های مذهبی و احترام به مقامات روحانی، اظهار دینداری و خداشناسی می‌کرده‌اند. در چنین دورانی شاعر از جامعه‌ای تأثیر می‌پذیرد که در آن مذهب به صورت پایه‌ی استواری برای تبیین اندیشه‌های جامعه‌ی ایرانی در آمده است؛ پس او به عنوان یک ایرانی می‌کوشند با زبان غیرمستقیم و با رویکردی هنرمندانه و در عین حال تأثیرگذار، اوضاع دینی دوران خود را به شکل‌های گوناگون نشان دهد. برخی از شاعران با تلاش فراوان سعی در تبیین و تبلیغ اصول دینی مورد نظر خود کرده‌اند و برخی توانسته‌اند در عین پای بندی به اصول دین و مذهب، با زبان هنری و بیان ادبی به انتقادهای خفیفی از دین و عناصر آن نیز بپردازند. برخی دیگر نیز با استفاده از همین روش، به جنگ دین رفته یا پایه‌گذار ادیان نو ظهور و اندیشه‌های مخالف گشته‌اند.

به طور کلی باید گفت نگاه شاعر در این دوران بیشتر شیعی است و نماهای مختلفی که از پیامبر، ائمه‌ی اطهار و به خصوص حضرت علی(ع) به تصویر در می‌آید، در خدمت تبیین اصول شیعه و نوع اندیشه‌ی این شاخه‌ی مذهبی قرار گرفته است که در ایران پیروان فراوانی دارد. اشاره به منجی (حضرت مهدی (عج)) و به خصوص یاد حماسه‌ی

کربلا نیز یکی از رکن‌های اصلی حوزه‌ی محتوا و تفکر در شعر این دوران است که با بسامدی قابل توجه، جلوه‌ی خاص مذهبی - شیعی دیوان شعرای این دوران را تقویت می‌کند.

سرانجام نیز باید گفت در این دوران دین، در شعر نه تنها یک مفهوم و محتوا بلکه یک ابزار و روش تربیتی است که شاعر می‌کوشد در معبر آن، مخاطبان را با نگاه اخلاقی - مذهبی خود همراه کرده، سرانجام او را به یک پالایش اخلاقی برساند.

* برای آگاهی بیشتر از وضعیت دین و مذهب در عصر قاجار نک-به:

- بدایع نگار (نواب تهران)، محمد ابراهیم، فیض‌الدّموع، به کوشش و تحقیق اکبر ایرانی قمی، قم - تهران، هجرت - دفتر نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۴ ش.
- جنتی عطایی، ابوالقاسم، بنیاد نمایش در ایران، تهران، کتابفروشی ابن سینا، ۱۳۳۳ ش.
- ذاکر حسین، عبدالرحیم، ادبیات ایران پیرامون استعمار و نهضت‌های آزادیبخش، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹ ش.
- قدیانی، عباس، تاریخ ادیان و مذاهب در ایران، تهران، فرهنگ مکتوب، ۱۳۸۱ ش.
- مراغه‌ای، زین‌العابدین، سیاحتنامه ابراهیم بیک، تهران، محور، ۱۳۷۸ ش.
- معتمدالدوله، حاج فرهاد میرزا، قمقام زخّار (و صمصام بتار)، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
- ناصرالدین شاه قاجار، سفر فرنگستان، به نگارش و انشای خودش، چاپ اول، تهران، مجمع قرآنی شیعه علی (ع)، ۱۳۸۰ ش.
- _____، کلهر، میرزارضا، سفرنامه کربلا و نجف، تهران، کتابخانه سنایی، ۱۳۳۵ ش.

فهرست منابع

۱. ادیب‌الممالک فراهانی، محمدصادق بن حسین (محمدصادق امیری فراهانی قائم‌مقامی)، دیوان کامل (دو جلدی)، به تصحیح و اهتمام مجتبی برزآبادی فراهانی، تهران، فردوس، ۱۳۷۸ ش.
۲. اصفهانی، حکیم صفا، دیوان/شعار، به اهتمام و تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران، اقبال، ۱۳۳۷ ش.
۳. اصفهانی، مجمر، (سیدحسین طباطبایی)، دیوان شعر، چاپ سنگی، ۱۳۱۲ ق.
۴. اصفهانی، نشاط، کلیات دیوان، تهران، کتابفروشی محمودی، بی‌تا.
۵. بهار، ملک‌الشعرا محمدتقی، دیوان/شعار (دو جلدی)، به اهتمام چهارزاد بهار، تهران، توس، ۱۳۸۰ ش.
۶. پیشاوری، ادیب، دیوان قصاید و غزلیات فارسی و عربی، به کوشش علی عبدالرسولی، تهران، سلسله نشریات «ما»، ۱۳۶۲ ش.

۷. حکیم قآنی شیرازی، دیوان، به کوشش محمدجعفر محجوب، تهران، چاپ موسوی، ۱۳۳۶ ش.
۸. خاتمی، احمد، تاریخ ادبیات ایران در دوره بازگشت ادبی (۲ جلدی)، تهران، پایا، ۱۳۸۰ ش.
۹. خراسانی، حاج میرزا حبیب، دیوان اشعار، به کوشش علی حبیب، تهران، زوآر، ۱۳۶۱ ش.
۱۰. خوانساری، شیخ محمود بن شیخ محمدحسین، در خوشاب معروف به دیوان شهاب، تصحیح و پیش‌گفتار و سخنی درباره نظم و قافیت، زیر نظر «دارالتصحیح و الترجمة»، خوانسار، کتابفروشی محمدباقر اشرفی، بی‌تا.
۱۱. دانش، تقی (حکیم سوری)، دیوان قصاید، هزار غزل، مقطعات، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۷ ش.
۱۲. داوری شیرازی، دیوان، به کوشش نورانی وصال، بی‌جا، وصال، ۱۳۷۰ ش.
۱۳. دهخدا، علی اکبر، دیوان، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، تیراژه، ۱۳۶۶ ش.
۱۴. دیوان بیگی شیرازی، سید احمد، حدیقه الشعراء، ادب و فرهنگ در عصر قاجاریه (جلد دوم از حرف ش تال)، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، زرین، ۱۳۶۵ ش.
۱۵. سپانلو، محمدعلی، شهر شعر ایرج، تهران، نشر علم، ۱۳۷۶ ش.
۱۶. سروش اصفهانی، شمس الشعرا میرزا محمدعلی خان. دیوان (دو جلدی)، به کوشش محمدجعفر محجوب، با مقدمه‌ی جلال‌الدین همایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۹ ش.
۱۷. شمیم، علی اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران، زریاب، ۱۳۸۰ ش.
۱۸. شهیدی، عنایت‌الله، پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی: از آغاز تا پایان دوره قاجار در تهران، با همکاری، ویرایش و نظارت علمی علی بلوکباشی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی با همکاری کمیسیون ملی یونسکو، ۱۳۸۰ ش.
۱۹. شیبانی، فتح‌الله محمدکاظم، درج درر، چاپ سنگی، تهران، بی نام، ۱۳۰۰ ش.
۲۰. شیرازی، وصال، دیوان کامل (دو جلدی)، به کوشش محمود طاووسی، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۷۸ ش.
۲۱. صبا، ملک‌الشعرا، فتح‌علی خان، دیوان اشعار، به کوشش محمدعلی نجاتی، تهران، اقبال، ۱۳۴۱ ش.
۲۲. صفی‌علیشاه، دیوان قصاید، غزلیات، ترجیعات، رباعیات، به کوشش منصور مشفق، تهران، صفی‌علیشاه، ۱۳۷۰ ش.
۲۳. عضد قاجار، ابونصر، بازنگری در تاریخ قاجاریه و روزگار آن، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۶ ش.
۲۴. فروغی بسطامی، عباس بن موسی، دیوان (بر اساس ده نسخه خطی)، به کوشش حمیدرضا قلیچ‌خانی، تهران، روزنه، ۱۳۷۵ ش.
۲۵. گل محمدی، حسن «فریاد»، تحقیق درباره زندگانی، احوال، اعمال، افکار و دیوان کامل اشعار فتح‌علی شاه قاجار «خاقان»، تهران، اطلس، ۱۳۷۰ ش.

۲۶. گیلانی، سیداشرف‌الدین (نسیم شمال)، کلیات، به کوشش احمد اداره چی گیلانی، تهران، نگاه، ۱۳۷۵ ش.
۲۷. لاهوتی، ابوالقاسم، دیوان کامل اشعار، به کوشش مجتبی برزآبادی فراهانی، تهران، اوستا فراهانی، ۱۳۸۰ ش.
۲۸. مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، جلد اول و دوم، تهران، زوآر، بی‌تا.
۲۹. مفتون دنبلی، عبدالرزاق، مآثر سلطانیه (تاریخ جنگهای ایران و روس)، با مقدمه و فهرستها: به اهتمام غلام‌حسین صدری افشار، تهران، ابن سینا، ۱۳۵۱ ش.
۳۰. ملک‌الشعراء صبا، محمودخان، دیوان، ضمیمه‌ی سال بیست و سوم مجله ارمغان، تهران، چاپخانه سپهر، ۱۳۲۹ ش.
۳۱. ناصرالدین شاه قاجار، دیوان کامل اشعار، به کوشش علی راهجیری، تهران، کتابفروشی و انتشارات قائم مقام، ۱۳۵۰ ش.
۳۲. همو، سفر فرنگستان، به نگارش و انشای خودش، تهران، مجمع قرآنی شیعه علی (ع)، ۱۳۸۰ ش.
۳۳. نیشابوری، ادیب، زندگی و اشعار، به کوشش یدالله جلالی پندری، تهران، بنیاد، ۱۳۶۷ ش.
۳۴. واتسن، رابرت گرت، تاریخ ایران (از ابتدای قرن نوزدهم تا سال ۱۸۵۸ با نظری اجمالی به وقایع عمده‌ای که به استقرار خاندان قاجار منجر شده است)، ترجمه‌ی ع. وحید مازندرانی، تهران، سخن، ۱۳۴۰ ش.
۳۵. وثوق (وثوق‌الدوله)، دیوان، به کوشش ایرج افشار، تهران، سلسله نشریات «ما»، ۱۳۶۳ ش.
۳۶. وفا، نظام، دیوان، به کوشش احمد کرمی، تهران، سلسله نشریات «ما»، ۱۳۶۳ ش.
۳۷. یغمای جندقی، مجموعه آثار، جلد اول، به کوشش سیدعلی آل داوود، تهران، توس، ۱۳۵۷ ش.

